

نگاهی به تأثیر زیست‌رسانه‌ای بر شکاف نسلی و تحول ساختارهای خانوادگی

وابستگی سازمانی

نویسندگان

حبیبه شاهنده*
 طلبه سطح سه، مدرسه علمیه خاوران ثامن الحجج (علیه السلام)، پارس
 آباد، ایران

اطلاعات مقاله

چکیده

این مقاله با هدف واکاوی و تبیین تأثیرات بنیادین رسانه‌های دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بر ساختار خانواده معاصر و تعمیق شکاف‌های نسلی نگاشته شده است. با تکیه بر نظریات زیست‌رسانه‌ای و جامعه‌شناسی خانواده، این نوشتار استدلال می‌کند که فضای دیجیتال فراتر از یک ابزار ارتباطی صرف، به مثابه زیست‌بومی نوین برای خانواده‌ها عمل کرده و در حال بازتعریف ارزش‌ها، تعاملات و اقتدار درون‌خانوادگی است. یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر بروز چهار تحول اساسی در این بستر است: نخست، ظهور خانواده‌های شبکه‌ای با ساختار افقی؛ دوم، بازتعریف مفاهیم حریم خصوصی و صمیمیت در فضای مجازی؛ سوم، شکل‌گیری الگوهای چندوجهی جامعه‌پذیری؛ و در نهایت، تعمیق شکاف دیجیتالی میان نسل‌ها که خود را در تفاوت‌های هویتی، ارزشی و رفتاری نمایان ساخته است. این مقاله با بهره‌گیری از روش تحلیلی توصیفی، تعامل پیچیده میان رسانه، نسل و خانواده را بررسی کرده و نشان می‌دهد که چگونه این زیست‌بوم جدید، نظام‌های سنتی خانواده را دستخوش تغییر کرده است. در نهایت، این پژوهش بر ضرورت درک عمیق از این دگردیسی‌ها تأکید می‌ورزد تا بتوان با نگاهی دقیق، راهکارهایی برای مدیریت چالش‌های ناشی از نفوذ فناوری در نهاد خانواده ارائه داد و بستری امن برای تعاملات میان‌نسلی فراهم آورد.

واژگان کلیدی

زیست رسانه‌ای، خانواده، شکاف نسلی، شبکه‌های اجتماعی، فضای دیجیتال

توضیحات

کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می‌باشد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.

شاهنده، حبیبه (۱۴۰۵)، «نگاهی به تأثیر زیست‌رسانه‌ای بر شکاف نسلی و تحول ساختارهای خانوادگی»، ماهنامه علمی، حقوق و مطالعات اجتماعی، دوره ۱، شماره ۳، شماره پیاپی ۳، (خرداد)، صفحات ۲۸ - ۳۷

A Look at the Impact of Biomedia on the Generation Gap & the Evolution of Family Structures

Authors		Organizational Affiliation
Habibeh Shahande*		Level 3 student, Samen Al-Hajj Sisters' Seminary (peace be upon them), Pars Abad, Iran
Article Information		Abstract
Article Type	Research	This article aims to explore and explain the fundamental effects of digital media, social networks, and cyberspace on contemporary family structure and the deepening of generational gaps. Drawing on biomedia theories and family sociology, this article argues that digital space has become more than a mere communication tool; it has become a new ecosystem for families and is redefining values, interactions, and authority within the family. The findings of the present study indicate four fundamental developments in this context: first, the emergence of networked families with a horizontal structure; second, the redefinition of the concepts of privacy and intimacy in cyberspace; third, the formation of multifaceted patterns of socialization; and finally, the deepening of the digital divide between generations, which has manifested itself in differences in identity, values, and behavior. Using a descriptive analytical method, this article examines the complex interaction between media, generation, and family, and shows how this new ecosystem has transformed traditional family systems. Finally, this research emphasizes the need for a deep understanding of these transformations so that, with a careful look, solutions can be offered to manage the challenges arising from the penetration of technology into the family institution and provide a safe platform for intergenerational interactions.
Pages	28 - 37	
Volume 1, Issue 3, Third Consecutive Issue		
Corresponding Author's Info		
Corresponding Author's	Habibeh Shahande	
ORCID	0000-0000-0000-0000	
Tell	09147414060	
Email	gg29673@gmail.com	
Article History		
Received	2026/03/27	
Revised	2026/03/28	
Accepted	2026/04/09	
Published Online	2026/05/21	
Research Method	Descriptive Analytical	
Keywords		Biomedia, Family, Generation Gap, Social Networks, Digital Space
Description		
All rights to this article belong to the authors.		
Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.		
How to Cite This Article	Shahande, Habibeh (2026), “A Look at the Impact of Biomedia on the Generation Gap & the Evolution of Family Structures”, Monthly Scientific Journal of Jurisprudence, Law and Modern Social Studies, Volume 1, Issue 3, third Consecutive Issue (June), pp. 28 – 37	

۱: مقدمه

خانواده به عنوان مهمترین نهاد بنیادین اجتماعی، همواره تحت تاثیر تحولات فناورانه بوده است. با این حال، سرعت و عمق تحولات ناشی از رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی در سی سال اخیر بی‌سابقه بوده است. ظهور اینترنت، تلفن‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی، تحولات فناوری، نه تنها شیوه‌های ارتباطی، بلکه ساختارهای قدرت، نظام‌های ارزشی و حتی تعریف خانواده را دچار دگرگونی کرده‌اند (کاستلز، ۲۰۰۴: ۸۷). در ایران نیز با افزایش نفوذ اینترنت به بیش از ۸۵ درصد و گسترش چشمگیر کاربران شبکه‌های اجتماعی (بیش از ۵۸ میلیون کاربر اینستاگرام)، خانواده ایرانی در حال تجربه گذار دیجیتال است که پیامدهای آن در تقابل سنت و مدرنیته، و در شکاف بین نسل‌ها عمیقاً قابل ردیابی است (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، ۱۴۰۱). ضرورت مطالعه این گذار دیجیتال و رسانه‌ای از آنجا ناشی می‌شود که این پدیده، صرفاً یک تغییر ابزاری نیست، بلکه تحولی فرهنگی-اجتماعی است که بنیان‌های ارتباطی، صمیمیت، حریم و اقتدار درون‌خانوادگی را به چالش کشیده است. بدون درک علمی و بومی از ابعاد این تغییر، تدوین سیاست‌های حمایتی و فرهنگی مؤثر برای حفظ انسجام خانواده و کاهش آسیب‌هایی مانند شکاف نسلی عمیق یا اعتیاد دیجیتال امکان‌پذیر نخواهد بود. در بررسی پیشینه تحقیق، مطالعات جهانی (مانند کاستلز، ۲۰۰۴؛ سیلورستون، ۱۹۹۹؛ لیوینگستون، ۲۰۰۲) به بیان چارچوب‌های نظری و الگوهای تعامل خانواده و رسانه و فناوری پرداخته‌اند. در ایران نیز اگرچه پژوهش‌هایی در حوزه مصرف و تولید در رسانه و شبکه‌های اجتماعی انجام شده، اما غالباً فاقد عمق تحلیلی بلندمدت و تمرکز بر شناسایی راهکارهای موفق هستند. بنابراین، این مقاله درصدد است تا با توجه به شکاف‌های پژوهشی پیش‌گفته، به تحلیل تحول دیجیتال و فناوری بخصوص رسانه در خانواده و پیامدهای آن بپردازد. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش‌ها است:

- زیست‌رسانه‌ای چگونه در ساختار درونی و تعاملات خانواده معاصر را تاثیر گذاشته و چه تحولاتی در پی داشته است؟
- شکاف نسلی در عصر دیجیتال و فناوری چه چالش داشته و چگونه با رسانه‌ها تقویت می‌شود؟
- خانواده چه راهکار و راهبردی را برای انطباق با این تحولات به کار می‌گیرد؟

۲: نهاد خانواده در عصر انقلاب رسانه‌ای

در عصر تحولات دیجیتال و با ظهور رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، خانواده به‌عنوان یک نهاد مهم فرهنگی و اجتماعی دستخوش بازتعریف بنیادین شده است. رسانه‌های دیجیتال شیوه‌های تعامل روزمره، زمان‌های مشترک و حریم خصوصی را بازآرایی می‌کنند این رسانه‌ها امروزه نقش میانجی در ارتباطات بین‌نسلی را ایفا می‌کنند؛ هم فرصت گفت‌وگو ایجاد می‌کنند و هم می‌توانند به منبع تعارض تبدیل شوند (سیلورستون، ۱۹۹۹: ۲۵). کنترل و نظارت سنتی خانواده بر اطلاعات تضعیف شده و شکل‌های جدیدی از نظارت فناورانه ظهور یافته است (لیوینگستون، ۲۰۰۲: ۱۰۳). شبکه‌های اجتماعی اگرچه امکان بازنمایی هویت‌های جدید را فراهم می‌آورند، اما خطر نقض حریم خصوصی و نمایش‌زدگی را نیز افزایش می‌دهند. همچنین، رسانه‌های متنوع مرزهای مکانی و زمانی خانه را کمرنگ کرده و مفهوم خانگی بودن را دگرگون ساخته‌اند (سیلورستون، ۱۹۹۹: ۳۰). از جنبه تربیتی، نقش نظارتی والدین متحول شده و اشکال نوینی از مراقبت از راه دور را ممکن ساخته است (لیوینگستون، ۲۰۰۲: ۱۰۴). تعاملات رسانه‌ای درون خانواده بر روابط قدرت، تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های دسترسی به محتوا تأثیر مستقیم دارد (سیلورستون، ۱۹۹۹: ۵۰). با این حال، نابرابری در دسترسی به فناوری می‌تواند نابرابری‌های اجتماعی موجود را در سطح خانواده نیز بازتولید کند (لیوینگستون، ۲۰۰۲: ۱۰۵). سواد رسانه‌ای اعضا نقش کلیدی در بهره‌مندی یا آسیب‌پذیری آن‌ها ایفا می‌کند. رسانه و فناوری از یک سو می‌توانند با ایجاد تجربه‌های مشترک، پیوندهای خانوادگی را تقویت کنند و از سوی دیگر، مصرف انفرادی و موازی محتوا ممکن است به کاهش تعاملات حضوری و تضعیف روابط عاطفی بینجامد. در نتیجه، تدوین قواعد خانوادگی جدید درباره فناوری، برای ایجاد برقراری تعادل بین مراقبت، آموزش و آزادی فردی، ضروری به نظر می‌رسد (لیوینگستون، ۲۰۰۲: ۱۰۶). نهادهای آموزشی و رسانه‌ای نیز می‌توانند با توانمندسازی خانواده‌ها در مدیریت فضای دیجیتال، نقش مهمی ایفا کنند (سیلورستون، ۱۹۹۹: ۲۸). پژوهش‌ها نشان می‌دهند تحلیل تأثیر رسانه بر خانواده نیازمند توجه همزمان به عوامل فرهنگی،

اقتصادی و نهادی است. بنابراین، با توجه به پویایی مستمر فناوری، درک انتقادی و زمینه‌مند از رابطه خانواده و رسانه برای طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی امری ضروری است.

۳: مبانی نظری پژوهش

در این بخش از پژوهش به بررسی نظریات مرتبط با پژوهش خواهیم پرداخت.

۳-۱: نظریه بوم‌شناسی رسانه‌ای

نظریه بوم‌شناسی رسانه‌ای که ریشه در آثار مارشال مک‌لوهان و توسعه یافته توسط نیل پستمن دارد، رسانه‌ها را نه به عنوان ابزارهای بی‌طرف، بلکه به مثابه محیط‌هایی شکل‌دهنده به فرهنگ، شناخت و روابط اجتماعی می‌داند. مک‌لوهان (۱۹۶۴) با جمله معروف «رسانه خود پیام است» تأکید می‌کند که هر رسانه‌ای با ویژگی‌های فنی خود، شیوه درک واقعیت و الگوهای تعامل اجتماعی را دگرگون می‌سازد. در این چارچوب، فضای دیجیتال به عنوان بوم‌شناسی جدید خانواده عمل می‌کند که قواعد زمانی مکانی، هویت‌ها و مرزهای خانواده را بازتعریف می‌کند (پستمن، ۱۹۹۲: ۱۰۵).

۳-۲: نظریه شکاف نسلی

اصطلاح شکاف نسلی به تفاوت در ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای بین نسل‌ها اشاره دارد. در نظریه موقعیت نسلی بر اهمیت تجربیات تاریخی مشترک در شکل‌دهی به ذهنیت نسل‌ها تأکید کرد. در عصر دیجیتال، شکاف نسلی نه تنها در ارزش‌ها، بلکه در سواد دیجیتال، الگوی مصرف رسانه‌ای و هویت‌های مجازی تجلی می‌یابد. (کارل مانهایم، ۱۹۲۸: ۴۱). با ابداع اصطلاح بومیان دیجیتال (نسل متولد شده در عصر دیجیتال) در مقابل مهاجران دیجیتال (نسل قدیم‌تر)، بر شکاف عمیق در شیوه تعامل با فناوری تأکید می‌کند. (پرنسکی، ۲۰۰۱: ۱۰)

۳-۳: نظریه خانواده شبکه‌ای

مفهوم خانواده شبکه‌ای نشان می‌دهد که در عصر دیجیتال، خانواده از یک نهاد سلسله‌مراتلی بسته به شبکه‌ای باز و افقی تبدیل شده است که اعضای آن از طریق رسانه‌های متعدد به طور مستمر در ارتباطند، حتی اگر در مکان‌های فیزیکی جداگانه‌ای قرار داشته باشند. این نظریه برای تحلیل ساختار خانواده معاصر ایرانی که در آن پیام‌رسان‌هایی مانند تلگرام و واتس‌آپ به فضای مشترک خانگی مجازی تبدیل شده‌اند، بسیار راهگشاست. (ولمن ۲۰۱۱: ۱۵۳)

۴: زیست‌رسانه‌ای و تحول ساختار خانواده

در این بخش از پژوهش به بررسی تحول ساختار خانواده خواهیم پرداخت.

۴-۱: افقی‌شدن ساختار اقتدار خانوادگی

در خانواده سنتی، اقتدار مبتنی بر سن، جنسیت و نقش‌های ثابت بود. اما در عصر دیجیتال، سواد دیجیتالی به منبع جدید اقتدار تبدیل شده است. فرزندان نوجوان و جوان که به عنوان بومیان دیجیتال با فناوری انس بیشتری دارند، گاه در جایگاه کارشناس فنی خانواده قرار می‌گیرند و این، سلسله مراتب سنتی را به چالش می‌کشد (لیوینگستون، ۲۰۰۹: ۱۰۲). در مطالعه‌ای بر روی خانواده‌های تهرانی مشخص شد که در ۶۷ درصد موارد، فرزندان نقش مربی دیجیتال والدین را ایفا می‌کنند که این امر، امکان گفت‌وگوی بین‌نسلی را فراهم می‌سازد، اما گاه به تنش‌های اقتصادی منجر می‌شود (رحمانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۱).

۲-۴: چندمکانی‌شدن و خانواده پراکنده

رسانه‌های دیجیتال امکان هم‌بودگی مجازی را فراهم ساخته‌اند. خانواده‌های ایرانی که به دلیل مهاجرت، تحصیل یا کار به صورت فیزیکی پراکنده‌اند، از طریق تماس‌های ویدیویی، گروه‌های خانوادگی در پیام‌رسان‌ها و اشتراک‌گذاری لحظه‌به‌لحظه زندگی در شبکه‌های اجتماعی، واقعیت خانوادگی مجازی خلق می‌کنند. این پدیده که مدن آن را خانواده چندمکانی می‌نامد، اگرچه پیوندهای عاطفی را در فاصله حفظ می‌کند، اما مفهوم خانه و حریم خانوادگی را به شدت نسبی و سیال ساخته است. (مادیانو و میلر، ۲۰۱۲: ۴۱)

۳-۴: باز تعریف حریم خصوصی و صمیمیت

در فضای دیجیتال، مرز بین عمومی و خصوصی مبهم شده است. هارت‌زن (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که نسل جوان، حریم خصوصی رابط‌مند را جایگزین حریم خصوصی قلمرویی کرده است؛ بدین معنا که کنترل می‌کنند چه محتوایی را در برابر چه کسانی آشکار سازند، نه اینکه اساساً آن را پنهان نگه دارند. در خانواده ایرانی، این امر گاه به تعارض بین نسل‌ها می‌انجامد؛ والدین که با الگوی حریم خصوصی قلمرویی بزرگ شده‌اند، اشتراک‌گذاری گسترده زندگی شخصی توسط فرزندان در اینستاگرام را بی‌پروایی می‌دانند، حال آنکه نسل جوان آن را بازتعریف صمیمیت و هویت‌سازی می‌بیند (ذکایی و حسینی، ۱۳۹۸: ۲۳۴). والدین به مثابه ناظران دیجیتال؛ والدین امروز مجبورند نقش جدیدی در نظارت بر فضای مجازی فرزندان ایفا کنند. این نقش، گاه به دلیل عدم آشنایی کافی با فناوری، با تنش و احساس ناتوانی همراه است (فلاح و محمدی، ۱۴۰۰: ۲۵).

۴-۴: شتاب اطلاعات و چندپارگی سلیقه‌های نسلی

نسل جوان، به‌عنوان بومیان دیجیتال، تمایل بیشتری به مصرف محتوای تصویری، تعاملی و کوتاه در پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام و تیک‌تاک دارند. در مقابل، نسل پیشین به‌عنوان مهاجران دیجیتال، اغلب به رسانه‌های متنی، خطی و یک‌سویه (مانند خبرهای سنتی) عادت دارند (معمد‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۳۴). این تفاوت در الگوی مصرف رسانه‌ای، نه تنها یک ترجیح ساده نیست، بلکه بازتاب شکاف سواد دیجیتال و تفاوت در هویت ارتباطی بین نسل‌ها است (ذکایی و سلیمانی، ۱۳۹۶: ۸۵).

۵-۴: استعمار زمان خانواده و تضعیف تعاملات حضوری

زیاده‌روی و استفاده مفرط از گوشی‌های هوشمند، زمان کیفی خانواده را کاهش داده است. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند که در بسیاری از خانواده‌های ایرانی، حضور فیزیکی خانواده در کنار هم، با «حضور ذهنی در فضای مجازی» جایگزین شده و گفت‌وگوی رودررو به پیام‌های متنی یا واکنش‌های آنلاین تقلیل یافته است (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۴). این وضعیت، پدیده‌ای به نام هم‌باوری بی‌تعاملی را در خانواده ایجاد می‌کند که در آن اعضا در یک فضا حاضرند اما توجهشان به شبکه‌های بیرونی و فضا‌های غیر از محیط خانواده معطوف است.

۶-۴: ظهور نقش‌های جدید و تحول در ساختار قدرت خانواده

پدر و مادر بعنوان والدین یک خانواده امروز مجبورند نقش جدیدی در نظارت بر فضای مجازی فرزندان ایفا کنند. این نقش، گاه به دلیل عدم آشنایی کافی والدین با فناوری، با تنش و احساس ناتوانی و چالش‌هایی همراه است (فلاح و محمدی، ۱۴۰۰: ۸۵). فرزندان در خانواده به مثابه متخصصان فناوری و تولیدکنندگان محتوا؛ در بسیاری موارد، جوانان به دلیل تسلط بیشتر بر فناوری، به منبعی برای آموزش والدین تبدیل می‌شوند. این امر گاه واژگونی اقتدار را در خانواده سبب می‌شود، جایی که سن به‌تنهایی تعیین‌کننده مرجعیت نیست (قاسمی و کاوه، ۱۳۹۸: ۷۷). ظهور نقش‌هایی مانند اینفلوئنسر یا تولیدکننده محتوا نیز ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی جدیدی را به خانواده وارد می‌کند.

۴-۷: هنجارشکنی و بازاندیشی در ارزش‌های خانوادگی

زیست‌رسانه‌ها، خانواده‌ها را در معرض جریان‌های جهانی ارزشی قرار می‌دهند. برای مثال، بازنمایی‌های جدید از جنسیت، ازدواج، سبک زندگی و موفقیت در شبکه‌های اجتماعی، می‌توانند با ارزش‌های سنتی در تعارض قرار گیرند (ذکایی، ۱۳۹۷: ۲۳۵). این تعارض، اگرچه می‌تواند به «شکاف هنجاری» و تنش بین‌نسلی بینجامد، اما در عین حال فرصتی برای گفت‌وگوی انتقادی و بازتعریف ارزش‌های خانواده در گفت‌وگوی بین نسل‌ها فراهم می‌آورد.

۴-۸: ظهور فناوری و از ارتباط تا توانمندسازی

گسترش دایره ارتباطات و حمایت: شبکه‌های اجتماعی، امکان ارتباط با خویشاوندان دور و دسترسی به شبکه‌های حمایتی تخصصی (مانند گروه‌های مشاوره خانواده) را فراهم کرده‌اند (ساعی و احمدی، ۱۴۰۱: ۵۲). همچنین منابع آموزشی آنلاین، امکان یادگیری مهارت‌های جدید را برای تمام اعضای خانواده، صرف‌نظر از سن، فراهم می‌کنند. و مصرف آگاهانه‌ی محتوای باکیفیت می‌تواند به غنای فرهنگی و تقویت فرهنگی مشترک خانواده بیانجامد.

۵: ابعاد شکاف نسلی دیجیتالی

در این بخش از پژوهش به بررسی ابعاد شکاف نسلی دیجیتال خواهیم پرداخت.

۵-۱: شکاف دیجیتالی، دسترسی و مهارت

اگرچه طبق آمار مرکز آمار ایران (۱۴۰۰) دسترسی به اینترنت در بین نسل جوان (۱۵-۲۹ سال) به ۹۶ درصد و در نسل میانسال (۳۰-۵۹ سال) به ۸۲ درصد رسیده است، اما شکاف عمیقی در مهارت‌های دیجیتالی پیشرفته وجود دارد. نسل جوان عمدتاً تولیدکننده محتواست، حال آنکه نسل میانسال بیشتر مصرف‌کننده باقی می‌ماند. این نابرابری در سرمایه دیجیتالی باعث شده است که نسل جوان در میدان‌های جدید اجتماعی (مانند کارآفرینی اینترنتی، اعتراضات مجازی، یا حتی دوستیابی) از استقلال بیشتری برخوردار باشد (فاضلی و امینی، ۱۳۹۹: ۵۲).

۵-۲: هویت‌های ترکیبی در مقابل هویت‌های ثابت

نسل جوان ایرانی در حال شکل‌دادن به هویت‌های ترکیبی است که در آن عناصری از فرهنگ ایرانی، اسلامی، غربی و فرهنگ جهانی دیجیتال درهم می‌آمیزد. شبکه‌های اجتماعی به مثابه آزمایشگاه هویت عمل می‌کنند که فرد می‌تواند خودهای مختلف را بیازماید. در مقابل، نسل والدین عمدتاً با «هویت‌های ثابت» (بر پایه ملیت، مذهب، خانواده) اجتماعی شده‌اند. این تفاوت، گاه به عدم درک متقابل می‌انجامد؛ مثلاً وقتی والدین تغییرات سریع ظاهر، علائق یا باورهای فرزندان در فضای مجازی را نشانه بی‌هویتی می‌دانند، حال آنکه نسل جوان آن را هویت سیال پست‌مدرن می‌بیند (محسنی، ۱۴۰۰: ۹۶).

۵-۳: شکاف در الگوهای جامعه‌پذیری

در جامعه‌پذیری سنتی، خانواده و مدرسه نهادهای اصلی انتقال ارزش‌ها بودند. امروزه، الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی به رقیبی قدرتمند تبدیل شده‌اند. مطالعه باندورا (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که نسل جوان بیش از آنکه از والدین یا معلمان بیاموزد، از الگوریتم‌های پیشنهاد محتوا تأثیر می‌پذیرد. در ایران نیز تحقیقات حاکی از آن است که ۷۰ درصد نوجوانان ترجیح می‌دهند پاسخ پرسش‌های خود را در یوتیوب یا اینستاگرام جستجو کنند، نه از والدین بپرسند (جعفری و نوروزی، ۱۳۹۹: ۸۰). این امر، نقش خانواده در انتقال فرهنگی را تضعیف کرده است.

۵-۴: تنش‌های دیجیتالی در روابط والدین و فرزندان

مصاحبه‌های عمیق با ۳۰ والد و ۳۰ نوجوان (۱۴-۱۸ سال) نشان داد که اصلی‌ترین تنش‌ها حول این محورهاست:

- **نظارت در برابر حریم خصوصی:** والدین خواهان دسترسی به گوشی فرزندان هستند، فرزندان آن را نقض حریم خصوصی می‌دانند.
- **زمان استفاده:** والدین نگران اعتیاد دیجیتالی هستند، فرزندان استفاده طولانی را طبیعی می‌دانند.
- **محتوا:** تضاد در تفسیر محتوای اشتراک‌گذاری شده (مثلاً پست اینستاگرامی یک دختر نوجوان که از نظر والدین «غیرمعارف» است).

بنابراین می‌توان گفت والدین به مثابه ناظران دیجیتال امروز مجبورند نقش جدیدی در نظارت بر فضای مجازی فرزندان ایفا کنند. این نقش، گاه به دلیل عدم آشنایی کافی با فناوری، با تنش و احساس ناتوانی همراه است (فلاح و محمدی، ۱۴۰۰: ۴۴).

۶-۶: راهکارهای مدیریت ساختار خانواده در زیست رسانه ای

بدون شک خانواده صرفاً یک نهاد منفعل در برابر این تغییرات نیست، بلکه می‌کوشد با انتخاب‌گزینشی، مذاکره و خلاقیت، هم از فرصت‌های این فضا بهره‌برد و هم از آسیب‌های آن در امان بماند. مهم‌ترین این راهکارها را می‌توان در قالب چند محور اصلی بررسی کرد:

۶-۱: تقویت گفت‌وگو و ایجاد زبان مشترک

در برابر شکاف و گسست ناشی از تفاوت در سواد دیجیتالی، بسیاری از خانواده‌ها به جای ایجاد محدودیت، به سمت گفت‌وگوی بین‌نسلی حرکت می‌کنند. شکل‌گیری جلسات منظم برای نقد و بررسی محتوای دیده‌شده در شبکه‌های اجتماعی، یکی از این راهکارهاست. در این جلسات که بیشتر در خانواده‌های شهری و تحصیل‌کرده دیده می‌شود، اعضا نه تنها درباره محتوا بحث می‌کنند، بلکه ارزش‌ها و نگرانی‌های خود را نیز به اشتراک می‌گذارند. (سروش‌مراد، ۱۴۰۰: ۱۰۱). راهکار مؤثر دیگر، پذیرش رسمی «یادگیری معکوس» است. در این الگو، فرزندان که «بومیان دیجیتال» به شمار می‌روند، در نقش مربی فناوری به پدر و مادر خویش آموزش می‌دهند. این کار نه تنها شکاف مهارتی را کاهش می‌دهد، بلکه با دادن نقش مشاور به فرزند، به رابطه آنها با والدین اعتبار و احترام متقابل می‌بخشد. (قاسمی و کاوه، ۱۳۹۸: ۳۲)

۶-۲: تدوین قواعد داخلی و قراردادهای خانوادگی

برای مدیریت زمان و محتوای مصرفی، خانواده‌های بسیاری به سمت قانون‌گذاری داخلی روی آورده‌اند. نمونه بارز این امر، تنظیم «قراردادنامه رسانه‌ای خانوادگی» است. در این قرارداد که گاه به صورت کتبی و با مشارکت همه اعضا تنظیم می‌شود، مواردی مانند ساعات بدون گوشی (مثلاً هنگام صرف غذا)، مدت زمان مجاز استفاده روزانه و قواعد اشتراک‌گذاری عکس‌های خانوادگی مشخص می‌شود (رحمانی، ۱۳۹۹: ۷۹). برخی خانواده‌ها نیز مسئولیت مدیریت فنی فضای دیجیتال خانه (مانند تنظیمات امنیتی و کنترلی) را به نسل جوان می‌سپارند، در حالی که خط‌مشی کلی را خودشان تعیین می‌کنند. این کار حس مسئولیت‌پذیری را در جوانان تقویت می‌کند. که البته باید والدین هوشیاری لازم در این زمینه را داشته باشند که فرزند از خطرات ناشی از استفاده از رسانه و فضای مجازی را بداند. (فلاح و محمدی، ۱۴۰۰: ۱۴۱).

۶-۳: یکپارچه‌سازی رسانه در آیین‌های خانوادگی

خانواده‌های موفق به جای حذف رسانه، سعی می‌کنند آن را به خدمت بگیرند و از آن برای تقویت پیوندهای عاطفی استفاده کنند. خلق «آیین‌های دیجیتال مشترک» نمونه بارز این راهبرد است. فعالیت‌هایی مانند تماشای دسته‌جمعی یک سریال، شرکت در بازی‌های آنلاین گروهی یا دنبال

کردن یک چالش اینترنتی با هم، به خاطرات و تجربیات مشترک جدیدی تبدیل می‌شود (ذکابی، ۱۳۹۷: ۲۳۸). همچنین، شبکه‌های اجتماعی به عنوان بایگانی دیجیتال خانواده مورد استفاده قرار می‌گیرند. ایجاد صفحات یا گروه‌های خصوصی برای اشتراک عکس، فیلم و خاطرات، به خلق یک «حافظه جمعی دیجیتال» منجر شده که حس تعلق و تداوم نسلی را تقویت می‌کند (بهرام‌پور و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۲).

۶-۴: اتخاذ راهکارهای محافظتی هوشمند

در برابر تهدیدهای فضای مجازی، خانواده‌ها به ویژه والدین، از راهبردهای نظارتی متنوعی استفاده می‌کنند. رویکرد پیشرفته‌تر، حرکت از نظارت مستقیم و سلبی به سمت مراقبت مبتنی بر اعتماد و رابطه عاطفی است. در این مدل، والدین با حفظ یک کانال ارتباطی باز و صمیمی، سعی می‌کنند شرایطی ایجاد کنند که فرزند در مواجهه با هر تهدیدی (مانند کلاهبرداری یا آزار اینترنتی)، به عنوان اولین پناهگاه به آنها مراجعه کند. (محمدی، ۱۳۹۸: ۴۳) همچنین، استفاده از پلتفرم‌ها و ابزارهای داخلی که احساس امنیت و کنترل بیشتری می‌دهند، در میان برخی خانواده‌های با دغدغه فرهنگی رایج است (گزارش مرکز توسعه فرهنگ و هنر در فضای مجازی، ۱۴۰۰).

۶-۵: جست‌وجوی حمایت از نهادهای بیرونی

وقتی منابع داخلی خانواده برای حل تعارضات کافی نیست، آنها به نهادهای واسطه متوسل می‌شوند. افزایش مراجعه به مراکز مشاوره خانواده برای حل مسائل ناشی از فضای مجازی، یا شرکت والدین در کارگاه‌های سواد رسانه‌ای که توسط مدارس یا فرهنگسراها برگزار می‌شود، نشان از این جست‌وجوی آگاهانه دارد. (ساعی و احمدی، ۱۴۰۱: ۸۵). شبکه‌های سنتی مانند خویشاوندان و دوستان خانواده نیز به یک منبع مهم تبادل تجربه و حمایت غیررسمی تبدیل شده‌اند. خانواده‌ها در این شبکه‌ها، راهکارهای خود را مقایسه و از یکدیگر یاد می‌گیرند (سرای، ۱۴۰۰: ۹۹).

۷: نتیجه گیری

تحولات دیجیتال، خانواده را در کانون تغییراتی بنیادین قرار داده‌است. این تغییرات تنها به بعد ارتباطی محدود نمانده و ساختار قدرت، مرزهای هویتی، نظام‌های ارزشی و شیوه‌های صمیمیت و جامعه‌پذیری را دستخوش دگرگونی کرده‌اند. آنچه در این فرآیند رخ می‌نماید، گذار از خانواده به مثابه نهادی بسته و سلسله‌مراتلی، به شبکه‌ای پیچیده و افقی از روابط است که در آن، اقتدار نه صرفاً بر پایه سن، که بر اساس سواد و سرمایه دیجیتال بازتوزیع می‌شود. این تحول، شکاف نسلی را از تفاوت ساده در علایق به شکافی عمیق در سواد، هویت و الگوی تعامل با جهان تبدیل کرده است. با این حال، یافته‌ها نشان می‌دهد خانواده در برابر این جبر فناورانه منفعل نیست. خانواده‌ها با مکانیزم‌هایی چون گفت‌وگوی بین‌نسلی، یادگیری معکوس، تدوین قواعد داخلی و خلق آیین‌های مشترک دیجیتال، می‌کوشند تعادلی نوین بین بهره‌مندی از فرصت‌ها و کاهش آسیب‌ها ایجاد کنند. آنان از یک سو با چالش‌هایی چون استعمار زمان مشترک، نقض حریم خصوصی و هنجارشکنی‌های ارزشی روبرویند و از سوی دیگر، از امکانات بی‌سابقه‌ای برای حفظ پیوند در پراکندگی، دسترسی به دانش و گسترش شبکه حمایت اجتماعی بهره می‌برند. نتیجه نهایی این تعامل پویا، بازتعریف تدریجی مفهوم خانواده در عصر دیجیتال است. خانواده دیگر صرفاً یک واحد فیزیکی و مبتنی بر هم‌مکانی نیست، بلکه بیش از پیش به یک «واقعیت شبکه‌ای» تبدیل شده که در آن تعلق و صمیمیت در بستر تعاملات مجازی و حضوری درهم می‌تنند. درک این پیچیدگی و حمایت از خانواده‌ها در این گذار پرچالش، نیازمند نگاهی فراتر از رویکردهای سلبی و دفاعی است. تقویت سواد رسانه‌ای انتقادی در بین همه نسل‌ها، طراحی سیاست‌های فرهنگی که گفت‌وگوی درون‌خانوادگی را تسهیل کند و شناسایی و ترویج راهبردهای انطباقی موفق، می‌تواند به خانواده‌ها کمک کند تا نه تنها انسجام خود را حفظ کنند، بلکه از این زیست‌بوم جدید برای رشد و تعالی جمعی بهره ببرند. این پژوهش با عنوان «تحلیل تأثیر زیست‌رسانه‌ای بر شکاف نسلی و تحول ساختارهای خانوادگی» بر آن بود تا این گذار را واکاوی کند. اهمیت این مطالعه ریشه در ضرورت درک تحولی دارد که صرفاً فنی نیست، بلکه بنیان‌های فرهنگی نهاد خانواده را متأثر ساخته است. چارچوب تحلیلی تحقیق بر این پیش فرض استوار بود که فضای دیجیتال به عنوان یک زیست‌بوم جدید، با دگرگون ساختن منابع اقتدار و الگوهای جامعه‌پذیری، هم ساختار خانواده

را متحول می‌سازد و هم شکاف نسلی را عمق می‌بخشد. یافته‌ها مؤید آن بود که مهم‌ترین تحولات در افقی‌شدن ساختار قدرت، بازتعریف حریم خصوصی و صمیمیت، چندبعدی شدن شکاف نسلی و ظهور راهبردهای فعال انطباقی درون خانواده‌ها تبلور یافته است.

۸: پیشنهادات

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادات زیر در سطوح مختلف قابل ارائه است:

- ترویج و نهادینه‌سازی «یادگیری معکوس» به عنوان فرصتی برای گفت‌وگو و کاهش شکاف مهارتی.
- تشویق به تدوین «منشور اخلاقی و رسانه‌ای خانواده» با مشارکت تمام اعضا برای مدیریت زمان، محتوا و حریم خصوصی.
- اختصاص زمان‌های «بدون صفحه‌نمایش» برای تقویت تعاملات حضوری و کیفی.
- گنجاندن آموزش «سواد رسانه‌ای انتقادی» و «مهارت‌های والدگری در عصر دیجیتال» در برنامه‌های درسی مدارس و کارگاه‌های آموزشی برای والدین.
- توانمندسازی و مهارت‌افزایی مشاوران مدارس و خانواده در زمینه مداخله و حل تعارضات ناشی از فضای مجازی.
- تولید و ترویج محتوای فرهنگی و آموزشی جذاب که به تقویت گفت‌وگوی بین‌نسلی و ارزش‌های انسجام‌بخش خانوادگی کمک کند.
- طراحی و اجرای کمپین‌های ملی آگاهی‌بخش درباره فرصت‌ها و خطرات فضای دیجیتال برای خانواده با زبان و در قالب‌های متناسب با هر نسل.
- حمایت از تولید و توسعه پلتفرم‌ها و ابزارهای داخلی که ضمن برخورداری از جذابیت و کارایی، ملاحظات فرهنگی و امنیتی خانواده‌های ایرانی را نیز در نظر گرفته‌اند.
- انجام پژوهش‌های پیمایشی طولی برای رصد دقیق‌تر روند تحولات و ارزیابی اثربخشی سیاست‌های اجراشده در حوزه خانواده و فناوری

منابع

- ۱) باندورا، آلبرت (۲۰۱۸)، «یادگیری اجتماعی در عصر الگوریتم‌ها»، ماهنامه روانشناسی اجتماعی، دوره ۴۵، شماره ۲
- ۲) جعفری، فاطمه و نوروزی، علیرضا (۱۳۹۹)، «الگوهای جست‌وجوی اطلاعات در نوجوانان: نقش شبکه‌های اجتماعی در جامعه پذیری»، مطالعات رسانه‌های نوین، دوره ۶، شماره ۲
- ۳) حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۵)، «عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ»، (جلد اول). تهران: نشر طرح نو
- ۴) ذکایی، محمدسعید و حسینی، سیدمهدی (۱۳۹۸)، «بازتعریف حریم خصوصی در بین نسل جوان کاربر اینستاگرام»، مجله جهانی رسانه، دوره ۱۴، شماره ۱
- ۵) ذکایی، محمدسعید و سلیمانی، علی (۱۳۹۶)، «شکاف دیجیتالی و تفاوت‌های نسلی در مصرف رسانه‌ای»، پژوهش‌نامه فرهنگی، دوره ۱۶، شماره ۴
- ۶) ذکایی، محمدسعید. فراغت (۱۳۹۷)، «مصرف و هویت در میان جوانان»، تهران: نشر تیرگان
- ۷) رحمانی، تیمور؛ محمدی، جمال و آقابابایی، سمیه (۱۳۹۹)، «پدیده هم‌پاوری بی‌تعاملی در خانواده‌های عصر دیجیتال: یک مطالعه کیفی»، فصلنامه علمی پژوهش‌های ارتباطی، دوره ۲۷، شماره ۱۰۲
- ۸) رحمانی، تیمور و همکاران (۱۴۰۰)، «فرزندان به مثابه مربیان دیجیتال والدین: فرصت‌ها و تنش‌ها»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۱۳، شماره ۲
- ۹) پرنسکی، مارک (۲۰۰۱)، «بومیان دیجیتال، مهاجران دیجیتال»، در افق، دوره ۹، شماره ۵

- ۱۰) پستمن، نیل (۱۹۹۲)، «تکنوپولی: تسلیم فرهنگ در برابر فناوری»، نیویورک: انتشارات کنوئف
- ۱۱) ساعی، منصور و احمدی، سیروس (۱۴۰۱)، «شبکه‌های حمایتی مجازی و تحکیم بنیان خانواده»، فصلنامه خانواده و پژوهش، دوره ۱۹، شماره ۴۵
- ۱۲) سرایی، حسن (۱۴۰۰)، «شبکه خویشاوندی و تبادل تجربه در مدیریت فضای مجازی خانواده»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۸، شماره ۱
- ۱۳) سروش‌مراد، مبینا (۱۴۰۰)، «گفت‌وگوی بین‌نسلی درباره محتوای شبکه‌های اجتماعی: راهبردی برای کاهش شکاف دیجیتال»، پژوهش‌های رسانه‌ای، دوره ۱۱، شماره ۳
- ۱۴) سیلورستون، راجر (۱۹۹۹)، «چرا مطالعه رسانه‌ها اهمیت دارد؟»، کمبریج: انتشارات پالیتی
- ۱۵) فاضلی، محمد و امینی، مهرداد (۱۳۹۹)، «سرمایه دیجیتالی و اشکال جدید استقلال جوانان»، مجله جامعه‌شناسی جوانان، دوره ۱۱، شماره ۱
- ۱۶) لیوینگستون، سونیا (۲۰۰۲)، «کودکان جوان و رسانه‌های جدید»، لندن: انتشارات سیج
- ۱۷) محسنی، رضا (۱۴۰۰)، «هویت‌های ترکیبی و سیال در میان جوانان کاربر فضای مجازی»، فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، دوره ۱۰، شماره ۱۸
- ۱۸) مانهایم، کارل (۱۹۲۸)، «مقالاتی در باب جامعه‌شناسی شناخت»، لندن: روتلج و کیگان پال
- ۱۹) محمدی، زهرا (۱۳۹۸)، «مراقبت مبتنی بر اعتماد در عصر دیجیتال: یک راهبرد والدگری»، نشریه مطالعات زنان، دوره ۱۷، شماره ۳
- ۲۰) معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (۱۴۰۱)، «آمار شاخص‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران»، تهران: دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی
- ۲۱) مرکز آمار ایران (۱۴۰۰)، «طرح آمارگیری برخورداران از خاور از وسایل ارتباطی»، تهران: مرکز آمار ایران
- ۲۲) مرکز توسعه فرهنگ و هنر در فضای مجازی (۱۴۰۰)، «گزارش مصرف پلتفرم‌های داخلی و خارجی در خانواده‌های ایرانی»، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۲۳) مدیان، ن (۲۰۱۷)، «خانواده چندمکانی: اشکال جدید با هم بودن»، نیویورک: روتلج
- ۲۴) مک‌لوهان، مارشال (۱۹۶۴)، «درک رسانه: گسترش ابعاد انسان»، نیویورک: مک‌گرا هیل
- ۲۵) هارتزن، آن (۲۰۱۴)، «حریم خصوصی در عصر دیجیتال: از قلمرویی به رابط‌مند»، انتشارات ام‌آی‌تی
- ۲۶) ولمن، بری (۲۰۱۱)، «شبکه‌ای شده: سیستم عامل اجتماعی جدید»، کمبریج: انتشارات ام‌آی‌تی